

شهرستان بیجار و برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی دوره پهلوی دوم (مطالعه اسنادی)

سجاد رحمانی فلاح^۱

سید اصغر آقامیرزایی^۲

(۱) چکیده:

برنامه‌های پنج‌گانه عمرانی و توسعه دوره پهلوی دوم در تاریخ دوم اردیبهشت ۱۳۲۷ در کابینه حکیم الممالک به مجلس تقدیم شد. در دوم شهریور ماه همان سال پس از تصویب مجلس در کابینه هژیر "اداره کل برنامه به سازمان موقت برنامه" تغییر نام داد و موظف شد؛ مقدمات اجرای برنامه هفت ساله اول را فراهم نماید. به این صورت از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۶ پنج برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی طراحی و اجرا شد. هدف اصلی این برنامه‌ها، بالا بردن سطح استانداردهای زندگی در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی مانند: بهداشت عمومی، آموزش رسمی و بالا بردن نرخ باسوادی، ایجاد و توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، مخابرات، ارتقا سطح معیشت روستاییان و همچنین توجه ویژه به ایجاد زیر ساخت‌های لازم برای صنعتی شدن، گسترش و بهبود شبکه راه‌های روستایی و شهری، کم کردن شکاف طبقاتی، توجه بسیار جدی به روستاییان از طریق اصلاحات ارضی، اجرای طرح‌های آبیاری و تبدیل زمین‌های دیم به مکانیزه بود. مقاله حاضر در نظر دارد اوضاع اداری، کشاورزی، فرهنگی و اجتماعی شهرستان بیجار را به صورت اجمالی طی برنامه سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۱ (پایان برنامه عمرانی چهارم) با تکیه بر روش اسنادی و منابع کتابخانه‌ای مورد بررسی و پژوهش قرار دهد. با وجود اجرای برنامه‌های تعریف شده فوق‌الذکر و تطبیق آن با واقعیات موجود شهرستان بیجار، مشخص گردید این شهرستان هم‌چنان از نابسامانی اقتصادی و اجتماعی رنج می‌برد و برخلاف آنچه که مد نظر برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی بوده، در عمل آثار مثبت آن در زندگی شهروندان مشهود نبود.

واژگان کلیدی: بیجار، کردستان، برنامه‌های عمرانی، اوضاع اجتماعی و فرهنگی

^۱ - دانشجوی دکتری، تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران، sajjad.rahmani@khu.ac.ir

^۲ - دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام - دانشگاه آزاد شبستر، ایران، Agamirzaee۷۱۱@gmail.com (نویسنده مسئول)

(۱) مقدمه:

در دوره رضاشاه قانون تقسیمات سیاسی - اداری کشور در سال ۱۳۱۶ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. براساس این قانون کشور به ده استان و چهل و نه شهرستان تقسیم گردید. شهرستان سنج در جز استان پنجم، شهرستان بیجار گروس و بخش‌هایی از سقز و بانه در محدوده استان چهارم قرار گرفتند. در تاریخ ۱۳۳۷/۰۷/۲۸، فرمانداری کل کردستان با توجه به فرمان شورای وزرا، از پنجمین استان جدا شد و استان کردستان را تشکیل داد. در پرونده تغییر و تحولات صورت گرفته در تقسیمات کشوری مربوط به کردستان در سال ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ قید شده است: انتزاع و استقلال دارایی سقز و بانه از دارایی سنج، انتزاع و استقلال دارایی اورامانات و بیجار از کرمانشاهان و ضمیمه شدن آن به استان کردستان، مصوبه هیئت وزیران در موضوع تبدیل فرمانداری کل کردستان به استانداری، انتزاع دهستان قورجان از بوکان و ضمیمه شدن به سقز و مصوبات هیئت وزیران در موضوع تبدیل بخش بانه به فرمانداری درجه دو و تابع کردستان، شهرهای استان، سنج، گروس (بیجار)، سقز، و قروه بودند که بعدها مریوان و بانه به آن اضافه شد. در دوره پهلوی دوم (ساکما، شماره سند ۲۴۰/۵۹۲۵۶) شهرستان سنج شامل سه بخش؛ حومه با پنج دهستان، ایران شاه با چهار دهستان و کامیاران با چهار دهستان بود. شهرستان سقز شامل یک بخش حومه با هفت دهستان می‌شد. شهرستان بانه شامل چهار بخش؛ پهلوی دژ با دو دهستان، بخش الموت یک دهستان، بخش حومه با دو دهستان و بخش نمشیر با یک دهستان بود. شهرستان مریوان شامل پنج بخش؛ بخش حومه با دو دهستان، بخش خاو و میرآباد با یک دهستان، بخش کلاترزان با سه دهستان، بخش سرشیو با دو دهستان، بخش سروآباد با سه دهستان بود. شهرستان بیجار یک بخش حومه و هشت دهستان داشت. شهرستان قروه شامل بخش حومه با سه دهستان و بخش ئیلاق با یک دهستان بود. آمارنامه استان کردستان، ۲۵۳۵، صص، ۴-۵). استان تازه تاسیس کردستان بر اساس معیارهای اقتصادی محروم تلقی می‌شد. دو پایه اقتصادی آن، کشاورزی و دامداری با وجود ظرفیت فراوان، در کمترین بهره‌وری قرار داشتند.

در سال ۱۳۱۰ اندیشه برنامه‌ریزی ابتدا توسط علی زاهدی مطرح شد و رساله مفصلی به نام «لزوم پروگرام صنعتی» تهیه و منتشر کرد. تلاش بعدی در سال ۱۳۱۶ توسط ابوالحسن ابتهاج آغاز شد. او معتقد بود برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشور باید «نقشه» داشته باشیم. وی با کمک حسین علاء ضرورت برنامه‌ریزی برای توسعه را به رضاشاه تقدیم نمود. اما مسائل مختلف بین‌المللی از جمله جنگ جهانی دوم و تبعید رضاشاه و مشکلات ناشی از مسائل بعد از جنگ این موضوع را به تاخیر انداخت. با روی کار آمدن محمدرضا پهلوی و عادی شدن شرایط نزدیکان او و اهل قلم همچنان بر ضرورت داشتن برنامه‌ریزی برای پیشرفت کشور تأکید داشتند. در واقع دولت‌های مختلف دوره محمدرضا شاه برنامه‌ها و سیاست‌های کلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران داشتند. برخی از

این برنامه‌های توسعه‌گرایانه در قالب برنامه‌های عمرانی اقتصادی و اجتماعی پیش‌بینی و برنامه‌ریزی شد. در نهایت با رایزنی نخست وزیر وقت (قوام) در دهم فروردین ماه ۱۳۲۵ ضمن تشریح اوضاع نابسامان کشور همچنان بر ضرورت طرح یک نقشه اقتصادی تأکید کرد. بالاخره این پیگیری‌ها نتیجه داد و سرانجام در شهریور ماه ۱۳۲۵ در اولین جلسه هیات عالی برنامه‌ریزی در حضور نخست‌وزیر، کلیات برنامه هفت‌ساله اول و سایر پیشنهادها هیات تهیه و به برنامه اصلاحی و عمرانی رسیدگی شد. «هیات تهیه برنامه اصلاحی و عمرانی» پس از رسیدگی به اطلاعات رسیده طرحی در دو قسمت اقتصادی و اجتماعی تنظیم کرد و "اداره کل برنامه" مسئول اجرای برنامه های پیشنهادی برای توسعه ایران شد. در نهایت در تاریخ دوم اردیبهشت ۱۳۲۷ در کابینه حکیم الممالک به مجلس تقدیم شد. در دوم شهریورماه همان سال پس از تصویب مجلس در کابینه عبدالحسین خان هژیر "اداره کل برنامه به سازمان موقت برنامه" تغییر نام داد و موظف شد؛ مقدمات اجرای برنامه هفت‌ساله اول را فراهم نماید. به این ترتیب در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۶ پنج برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی طراحی و اجرا شد. اجرای این برنامه‌های توسعه‌گرایانه و برنامه‌ریزی شده بخشی از سیاست‌ها و برنامه‌های دوره محمد رضا پهلوی را تشکیل می‌داد. با توجه به سیاست‌های کلی این دوره، می‌بایست کشور به مرحله‌ای از رشد سیاسی و اجتماعی برسد. استان کردستان به همراه شهرستان‌های تابعه، یکی از استان‌های مورد نظر برای رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی بود که برخی از برنامه‌های رشد و توسعه در زمینه‌های مختلف در آن اجرا شد. سوال اصلی در این پژوهش این است که با کنکاش در اسناد مراکز معتبر سندی کشور مشخص شود: رویکرد اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برنامه‌های فوق‌الذکر به توسعه شهرستان بیجار از سال ۲۷ تا ۵۲ چگونه بوده است؟ آیا اراده‌ای برای توسعه همه‌جانبه این شهرستان کهن وجود داشته است؟ تاکنون پژوهش مستقلی نیز در این باره انجام نگرفته است.

۳- تشکیلات اداری و تقسیمات کشوری

استان تازه تاسیس کردستان راه دشواری برای استقرار ادارات خود پیش‌رو داشت. به عنوان نمونه، گمرک سردشت از مهرماه ۱۳۳۶ از گمرک کردستان منتزع و ضمیمه گمرک آذربایجان شد. (ساکما، شماره سند ۵۹۲۵۶/۲۴۰). اداره دارایی سقز در مهرماه ۱۳۳۸ از دارایی سنندج منتزع و مستقل گردید. همچنین دارایی بانه نیز از سنندج منتزع و به دارایی سقز منضم شد. (ساکما، شماره سند ۱۳۷۸۶/۲۳۰) دادگستری و دادگاه بیجار تا سال ۱۳۴۴، زیر نظر استان همدان بود. (ساکما، شماره سند ۱۰۱۲۲/۹۱/۲۹۳)

بیجارگروس در سال ۱۳۱۸ در تقسیمات کشوری جدید به استان آذربایجان غربی واگذار گردید. در پانزدهم دی ماه سال ۱۳۲۴ شمسی، هیات دولت وقت ایران، گروس را که شهرستانی در مرز بین استان‌های آذربایجان و دولت مرکزی ایران بود، از استان آذربایجان غربی جدا کرد، تا مستقیماً توسط وزارت کشور اداره شود. (روزنامه اطلاعات سال بیستم، ۲۳ دی ماه، ۱۳۲۴ شمسی، ص ۶) بیجارگروس در سال ۱۳۲۵ شمسی به استان کرمانشاهان واگذار شد و امورات اداری آن در مرکز استان (شهر کرمانشاه) انجام می‌شد. در همین سال در مرکز شهرستان بیجارگروس، اتحادیه ای به نام "جوانان بیجار" تشکیل شد که هدف آن خاتمه دادن به اوضاع تاسف‌بار شهرستان بیجارگروس اعلام می‌شود. این اتحادیه خواهان اصلاحات، اقتصادی و اجتماعی در شهرستان بیجار بود. بعد از مدتی در سال ۱۳۳۰ شمسی برای مدت کوتاهی شهرستان بیجارگروس تحت نظر فرمانداری کل همدان قرار گرفت. از جمله مشکلات اداری در شهرستان بیجار که موجب اعتراض مردم به بازرسی شاهنشاهی می‌شد آشفتگی در برخی از ادارات بود که زیر نظر اداری همدان قرار داشتند. دادگاه بخش و گروهان بیجار حداقل تا سال ۱۳۴۴، زیر نظر همدان بودند. (ساکما، شماره سند ۱۰۱۲۲ / ۹۱/۲۹۳). حداقل تا سال ۱۳۴۱، دایره مهندسی اداره بهداشت کردستان تابع کرمانشاه و بقیه دوایر تابع کردستان بود. (روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۰۱۴، بهمن ۱۳۴۱، ص ۱۰) با تأسیس استان کردستان در سال ۱۳۳۷ شهرستان بیجار یکی از اولین شهرستان‌های این استان شد. شهرستان بیجار در دوران پهلوی در زمینه‌های، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، عمرانی و آبادانی نه تنها کوچکترین رشدی نمی‌کند، بلکه سیر نزولی را طی می‌کند و حتی رونق گذشته خود را از دست می‌دهد. به عنوان مثال بیمارستان مناسب، مراکز درمانی و حتی راه مناسب ارتباطی نداشت. تنها راه ارتباطی مهم، راه شوسه همدان - بیجار بود که شش ماه در سال به علت بارش و عدم امکانات راهداری مسدود بود. موضوع دیگر امنیت در روستاها، جاده‌ها و قوانین ژاندارمری بود. به عنوان نمونه مردم بیجار درخواست انتزاع بخش تکاب از شهرستان مراغه را داشتند، زیرا فاصله تکاب -مراغه حدود ۲۱۳ کیلومتر بود، اما با شهرستان بیجار فقط ۷۵ کیلومتر فاصله داشت. این امر علاوه بر خدمت‌رسانی به اهالی تکاب، امنیت شهرستان بیجار را فراهم می‌آورد، چرا که بیشتر سارقین بعد از سرقت از حوزه ژاندارمری روستای جعفرآباد سیاه منصور که جز ژاندارمری بیجار بود، به تکاب می‌گریختند که فقط ۲۴ کیلومتر با پاسگاه جعفرآباد فاصله داشت و براساس قانون، پاسگاه ژاندارمری جعفرآباد گروس نمی‌توانست آن‌ها را مورد تعقیب قرار دهد. (اسناد مرکز ریاست جمهوری، شماره بازیابی ۱۴۵۱۱)

(۴) آموزش و تعلیم و تربیت

در طول حکومت رضاشاه، تلاش‌های گسترده‌ای برای مدرسه‌سازی و توسعه معارف از جمله در کردستان انجام شد. اداره معارف کردستان و بیجار ابتدا در حوزه اداره معارف همدان تقسیم‌بندی می‌شد و به حوزه معارف غرب

کشور مشهور بود. (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۳۶۲۱؛ ۲۹۷/۲۷۸۰۵؛ ۲۹۷/۴۲۹۷۲) به طوری که اگر معلمی به بیجار اعزام می‌شد، تحت نظر اداره معارف همدان بود. کفیل وزارت معارف در سال ۱۳۰۴ خواستار افزایش قابل توجه بودجه وزارت معارف برای توسعه مدارس در مناطقی چون کردستان و آذربایجان شده بود (مجله تعلیم و تربیت، دوره اول، ش ۱، ۱۳۰۴، ص ۲۴) در احصائیه سال ۱۳۰۴ روزنامه اطلاعات به سه مدرسه دولتی و پنج مدرسه ملی پسرانه ابتدایی در کردستان اشاره شده است. در همین سند نقل شده است که تا آن زمان جمعاً ۶۴۸ باب مدرسه در سراسر ایران تأسیس شده است. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۰۵/۰۶/۱۶) در سال ۱۳۰۵ بودجه معارف استان کردستان حدود یازده هزار تومان بود که به نسبت بودجه سال ۱۳۰۳ بیش از سه برابر افزایش داشت. (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۲۴۶۵۱)

تحصیل اجباری در استان کردستان برای کودکان حداقل تا سال ۱۳۳۷ محقق نشده بود. (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۲۵۸۱۱) طبق گزارش «هیئت بررسی بهبود امور مناطق کردنشین» از تاریخ ۳۷/۲/۷ تا ۳۷/۳/۱۵، مجموع کل دانش آموزان پسر و دختر در کردستان ۷۶۰۰ نفر بود. اگر به نسبت کل جمعیت کردستان (۵۶۰ هزار نفر) محاسبه کنیم، کودکان ۶ تا ۱۴ کردستانی در سال ۱۳۳۷، حدود یکصدوپنجاه هزار نفر بودند. بنابراین با وجود ۷۶۰۰ دانش آموز، تنها چهار درصد آنان به مدرسه می‌رفتند. در صورتی که این درصد در میانگین کشوری پانزده درصد بود. مشکل دیگر دانش‌آموزانی بودند که به دلیل کار کشاورزی و دامداری اوقات کمی را در مدارس می‌گذراندند. (ساکما، شماره سند ۲۹۰/۸۳۳۰) گاهی نرخ بیسوادی در روستاهای بیجار به صد درصد هم می‌رسید. (ساکما، شماره سند ۲۵۵۳/۲۹۳/۹۱). در دوره پهلوی اول مدارس زیادی به سبک جدید در شهرهای مختلف کردستان ساخته شد، که تناسبی با رشد جمعیت و عقب ماندگی منطقه نداشت. برای فهم دقیق‌تر بصورت موردی وضعیت مدارس شهرستان بیجار را مورد بررسی قرار می‌دهیم. خانم کوکب کیودوندیان دبستان دخترانه همت بیجار را در سال ۱۳۰۴ تأسیس کرد. (روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۲۷۴، مورخ ۱۳۴۲/۱۰/۱، ص ۱۰). در سال ۱۳۱۵، دبستان اتحاد الیانس کلیمیان بیجار دایر بود و نیاز به کمک مالی شدید داشت. (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۱۴۲۲۴) در همین سال، تقاضای تجدید بنای دبستان دولتی (پهلوی) بیجار مطرح شد. (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۵۶۹۶۷) این دبستان در سال ۱۳۰۸ نیز تعمیر شده بود. (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۲۲۶۰۲). اهالی روستای خسروآباد گروس از توابع شهرستان بیجار به سال ۱۳۱۵ تقاضا و درخواست توسعه دبستان دولتی هدایت را داشتند. (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۱۵۰۶۰) در همین سال، اداره معارف گروس با انتقال دبستان جدیدالتأسیس روستای مهرآباد (از توابع گروس) به شهر بیجار موافقت کرد که نشان از کمبود معلم در شهر بیجار بود. (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۱۵۰۳۸) در سال ۱۳۱۷، به دلیل کمبود مدرسه، مسئولان فرهنگ بیجار مجبور شدند تا یکی از

آموزشگاه‌های بیجار را به دو قسمت دبستان و دبیرستان تقسیم نمایند و تراکم دانش‌آموز در کلاس را افزایش دهند. (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۲۰۵۹۶) در نتیجه در سال ۱۳۲۵ امتیاز تأسیس دبستان ملی اتحاد در شهر بیجار صادر شد. (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۱۴۲۳۷) این مشکلات ادامه داشت تا اینکه در تابستان ۱۳۴۰ هیأتی از طرف سازمان برنامه کشور به استان کردستان سفر کرد. این هیأت در گزارش خود پیشنهاد احداث ۲۵۰ دبستان را طی برنامه پنج ساله سوم توسعه (سالی ۵۰ دبستان) ارائه کرد. (ساکما، شماره سند ۲۲۰/۱۴۷۱۹). در گزارش سازمان برنامه سال ۱۳۴۱، به صراحت آمده است که زیرساخت‌های فرهنگی کردستان تنها برای پذیرش بیست درصد از نوآموزان کافی است. (گزارش مقدماتی مطالعات عمران ناحیه کردستان، سازمان برنامه، ۱۳۴۱، ص ۱۳)

در شهر پانزده هزار نفری بیجار در مهرماه ۱۳۴۲، تنها یک دبیرستان پنج کلاسه پسرانه و یک دبیرستان سه کلاسه دخترانه وجود داشت که تمامی دانش‌آموزان را پوشش نمی‌داد. در نتیجه تعداد زیادی از دانش‌آموزان یا ترک تحصیل می‌کردند یا به ناچار به شهرهای اطراف مهاجرت می‌کردند. از دیگر مشکلات آموزش و پرورش این بود که کلاس ششم متوسطه پسرانه و چهارم متوسطه دخترانه دایر نبود در نتیجه دانش‌آموزان این مقاطع اغلب ترک تحصیل می‌کردند. وضعیت مدارس در بیجار به حدی اسفناک بود که با استناد به روزنامه اطلاعات حداقل تا ۳۰ مهر ۱۳۴۲ هیچ کتابی به دست دانش‌آموزان نرسیده بود. (روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۲۲۴، مورخه ۱۳۴۲/۷/۳۰، ص ۱۰) تعداد روستاهایی که تا سال ۱۳۵۲ در کردستان، فاقد مدرسه بودند، کم نبود و یکی از نیازهای زیربنایی در آن زمان، ساخت مدرسه بود. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). هدف از مدرسه سازی در استان کردستان تنها پاسخی به نیاز تحصیلی دانش‌آموزان نبود بلکه در پوشش آموزش به دنبال ترویج زبان ملی فارسی و گسترش روح ملی‌گرایی بودند. (ساکما، شماره سند ۲۲۰/۱۴۷۱۹) تقاضای زیاد برای احداث مدرسه و بودجه کم دولتی، به ناچار پای خیرین مدرسه ساز را وارد این بخش کرد. برخی از خیرین بیجاری در ساخت و ساز زیربنایی کمک می‌کردند. آن‌ها درمورد احداث دبستان، دبیرستان کمک زیادی را انجام دادند. (روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۱۰۳، مورخ ۱۳۴۲/۳/۷، ص ۱۰)

(۵) اقتصاد کشاورزی و اصلاحات ارضی

در برنامه عمرانی هفت ساله دوم (۴۱-۱۳۳۴)، برنامه عمرانی سوم (۴۶-۱۳۴۱) و برنامه عمرانی چهارم (۵۱-۱۳۴۶) روستاگرایی و توجه ویژه به بخش کشاورزی از نظر برنامه‌ریزان اهمیت ویژه‌ای داشت. طرح‌های خدماتی، از قبیل تأمین برق، آب، تلفن، بهداشت عمومی، راه‌سازی و حمایت از توسعه طرح‌های صنعتی پیش‌بینی شده بود. برنامه عمرانی دوم عمدتاً ایجاد و توسعه تأسیسات زیربنایی عمده را تحت عنوان چهار فصل کشاورزی-آبیاری، ارتباطات-مخابرات، صنایع-معادن و امور اجتماعی-بهداشت را مورد نظر داشت. (مجموعه قوانین برنامه های عمرانی کشور ۱۳۶۸-۱۳۲۷ ص ۴۶) اما در استان کردستان و شهرستان بیجار این طرح ها به دلایل مختلف نتوانست اهداف برنامه‌ریزان را در عمل برآورده سازد.

مهم‌ترین عوامل تولید اقتصاد روستایی شامل گاو، نیروی کار و بذر بود که با توجه به عوامل تولید گروه اجتماعی دهقانان به دسته‌های مشخصی تقسیم می‌شدند. ۱- دهقانان دارای "حق نسق" بودند که عوامل تولید را در اختیار داشتند و خودشان واحد تولیدی را اداره و مدیریت می‌کردند. ۲- دهقانانی که دارای نسق زراعی و عوامل تولید بودند. (گاو، بذر و ..) ۳- زارغانی که با داشتن حق نسق یکی از عوامل تولید را داشتند. (بذر لازم و یک رأس گاو) در چنین مواردی با زارع دیگری که شرایط نسبتاً همسانی داشت، تشکیل یک جفت می‌دادند و سهم محصول را تقسیم می‌نمودند.

اجرای برنامه اصلاحات ارضی یکی از برنامه‌های مهم اقتصادی و اجتماعی، محمدرضا پهلوی بود که تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی بود. برنامه عمرانی توسعه سوم و انقلاب سفید در زمان نخست وزیری دکتر علی امینی به تصویب رسید. استان کردستان نیز جز نخستین مناطقی بود که برنامه اصلاحات ارضی در آن به اجرا درآمد. در میان روستاییان به دوره قبل اصلاحات ارضی (دوره مالک) گفته می‌شود که با عناوینی مانند "خان، سلطان، شیخ، بگ، آغا خوانده می‌شدند. (بریین، سن مارتین، ۱۳۷۸، ص ۱۷) ملاک اندازه‌گیری املاک دانگ بود که هر ملک شش دانگ و هر دانگ شانزده شعیر بود. عوامل اصلی، نظام بهره‌برداری در روستاهای شهرستان بیجار، بر اساس مصاحبه و تحقیق میدانی نگارندگان شامل مالک، مباشر، کدخدا، کشاورز و افراد بدون زمین (خوش‌نشین) بود. در روستاهای بیجار زمین از جانب مالک به کشاورز واگذار می‌شد و ادامه کار کشاورز بر روی زمین بستگی به نظر مالک داشت. معمولاً مهم‌ترین ملاک ادامه همکاری کشاورز و مالک به میزان تلاش و کوشش کشاورز برای بهره‌برداری بیشتر و آبادانی روستا بود. معیار سنجش زمین در بیشتر روستاها "من، خروار، پوت و تغار" بود. معمولاً نیروی کار و تهیه بذر برعهده کشاورز بود. کشاورزان مردمانی صبور، قانع و شکرگزار بودند. در روستاهایی که آبیاری زمین انجام می‌گرفت، فردی به اسم "میرآب" وظیفه نظارت بر تقسیم میزان و نوبت‌دهی آب را داشت.

منابع آبیاری زمین‌های آبی، رودخانه، چشمه، چاه و قنات بود که کشاورزان به صورت توافقی بر اساس عرف محل که در بیشتر روستاها به صورت "جوغ بندی" بود، از آن استفاده می‌کردند. (لمبتون، ۱۳۴۵، ص ۴۲)

اشتغال تاریخی شهرستان بیجار همواره کشاورزی و دام‌داری بوده است که امرار معاش مختصری را فراهم می‌کرد و غالباً امکان پس انداز نداشت. برداشت محصول در روستاهای بیجار در دهه سی و اوایل چهل شمسی معمولاً «یک تخم، هفت تخم» بود. راندمان کم زمین‌های زراعتی باعث شده بود تا مالکیت زمین در مقیاس کوچک صرف اقتصادی نداشته باشد. (ساکما، شماره سند ۸۳۳۰/۲۹۰)

اجرای اصلاحات ارضی در استان کردستان در بیستم شهریور ماه ۱۳۴۱ با انتشار آگهی نوبت اول و تسلیم اظهارنامه به مالکان مناطق (قروه و سنندج) آغاز گردید. (روزنامه اطلاعات، ۲۱ شهریورماه ۱۳۴۱، ص ۵) از ۷۷۴ روستای موجود ۴۶۰ روستا مشمول تقسیم اراضی شدند و زمین‌های کشاورزی به زارعان واگذار گردید. در شهرستان بیجار گروس که تعداد روستاهای آن ۲۶۷ روستا اعلام شده بود، در آگهی نوبت اول به تاریخ یکم آبان ۱۳۴۱، همزمان هجده روستای شش دانگ و سی‌وهفت روستای کمتر از شش دانگ میان زارعان تقسیم شد. (روزنامه اطلاعات، ۲ آبان ۱۳۴۱، ص ۱۷) اکثریت مالکان شهرستان بیجار در شهرهای بزرگ مانند تهران، همدان و... زندگی می‌کردند. مالکان روستاهایی که زمین‌های حاصلخیز داشتند، به تاریخ سه سال قبل از اجرای اصلاحات ارضی برخی از زمین‌ها را به فرزندان و اعضای خانواده خود انتقال داده بودند و در عوض هشتادوشش روستای خالی از سکنه و فعالیت کشاورزی را به دولت معرفی کرده بودند. از طرف دیگر بهترین زمین‌های روستاهای حاصلخیز را به بهانه مکانیزه، سهم شش دانگ خود قرار دادند. با این وجود بر خلاف سایر شهرستان‌های استان، مالکان شهرستان بیجار مخالفتی نشان ندادند و در نتیجه این شهرستان بسیار مسالمت‌آمیز با تقسیمات اراضی رفتار نمود. اما در شهرستان‌های سقز، بانه و مریوان اجرای برنامه اصلاحات ارضی برخلاف "بیجار و قروه" موجب موضع‌گیری زمین‌داران این مناطق گردید که هر کدام برای نارضایتی خود دلایلی داشتند. مانند بقای تشکیلات قبیله‌ای در سقز، بانه، دیواندره، مریوان و اورامانات که از مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماعی این نواحی محسوب می‌شد. اگر چه مردم این مناطق در روستاها سکونت داشتند، اما همچنان بافت قبیله‌ای را حفظ کرده بودند. (سجادی ۱۳۸۱، ص ۲۶) مالکان شهرستان سقز وقتی با اصرار مأموران دولتی برای واگذاری زمین‌های خود مواجه شدند، با کشاورزان رفتارهای بدی را کردند و حتی در روستای -ایران‌شاه- و چند روستای دیگر آن‌ها را از محل زندگی خود بیرون راندند (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۱۳۱) سکونت مالکان در روستاها، اثرات روانی-اجتماعی و اقتصادی بسیاری بر روستاییان داشت.

صنایع دستی رایج روستاهای شهرستان بیجار شامل جاجیم بافی، موج بافی، شال بافی، جوراب، دستکش پشمی، قالی بافی، گلیم بافی، بافت سجاده و... بود. در این زمان، صنعت فرش بافی و گلیم بافی در شهرستان بیجار رو به افول نهاده بود. نقشه های اصیل بیجار جای خود را به نقشه های کاشان و اصفهان داد. در سال ۱۳۴۲ شرکت فرش بیجار شصت دستگاه فرش بافی (دار قالی) در منازل مستقر کرد. در مجموع در شهر بیجار و روستاهای تابعه حدود سیصدوپنجاه دستگاه فرش بافی مشغول به کار بودند. محصولاتمانند پشم، کیسه، جاجیم، دستکش و جوراب نیز تولید می شد. در قریه حسن آباد بیش از یک هزار دستگاه کیسه بافی وجود داشت که بهترین نوع کیسه های حمام را می بافتند. گلیم بیجار به دلیل مرغوبیت به صورت سفارشی بافته می شد. در "روستای ده بنه" دستکش های مرغوب از کرک بز بافته می شد که قیمت هر جفت ۲۰۰ الی ۳۰۰ ریال بود. بقیه روستاها نیز دستکش های پشمی تهیه می کردند که ۵۰ ریال قیمت داشت. (امکانات توسعه صنعتی در کردستان و کرمانشاهان، بی تا، ص ۱۶۷-۱۶۹).

۶) اوضاع اجتماعی و امکانات رفاهی

بررسی فهرست برنامه های عمرانی به مناسبت جشن ۲۵۰۰ سال بنیان گذاری شاهنشاهی ایران در شهرستان بیجار نشان می دهد که هیچ طرح صنعتی در میان آن نبوده است. فهرست طرح ها به این شرح بود: احداث ساختمان بانک ملی، خانه انصاف، درمانگاه، سازمان شاهنشاهی، احداث دبستان، سالن سرپوشیده ورزشی، آسفالت خیابان، بلوارسازی، میدان سازی، احداث استخر، نصب تیر چراغ برق، احداث پارک، خرید دستگاه مولد برق، احداث مسجد جامع و حسینیه، احداث حمام و دوش در سه روستا. (ساکما، شماره سند ۲۵۶۵/۲۹۳/۹۱)

راه همواره مهمترین مسأله عمرانی شهرستان بیجار بوده است. راه های بین شهری شوسه و کم عرض بودند. همچنین اکثر روستاها راه فرعی مناسبی نداشتند. منوچهر اقبال - نخست وزیر وقت ایران - در نطقی در مجلس شورای ملی تأکید کرد که در کردستان چیزی که جالب توجه است و بایستی رسیدگی بشود، اول موضوع راه ها است. چون یک منطقه کوهستانی است، هر نوع اصلاحی در آن به اصلاحات راه سازی بستگی دارد. اگر راه نباشد هیچ کاری انجام نمی شود. هر کاری که می خواهیم بکنیم چه از نقطه نظر ساختمانی و چه از نقطه نظر فرهنگی بایستی راه باشد. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۹، ج ۲۱۳، مورخ ۱۳۳۷/۴/۱۰) وضعیت راه های به گونه ای بود که اکثر مواقع در فصول سرد سال رفت و آمد بین روستاها نیز با هم دیگر قطع می شد. (ساکما، شماره سند ۲۸۲۲/۲۹۳/۹۱). هیئت اعزامی دولت برای بررسی بهبود امور مناطق کردنشین (به تاریخ ۳۷/۲/۷ تا ۳۷/۳/۱۵) در گزارش محرمانه خود تأکید می کند که راه اراپه رو نیز در روستاهای کردستان وجود ندارد. (ساکما،

شماره سند ۲۹۰/۸۳۳۰) با وجود رودخانه‌ها، مشکل مضاعف راه در کردستان کمبود یا نبود پل‌ها بود. در سال ۱۳۳۸، پل‌های راه‌های سنندج - همدان، سنندج- مریوان با اعتبار ۱۷/۵ میلیون ریال از محل پذیره نفت ساخته شد. در منطقه بیجار، تکاب و دیواندره در طول ۱۸۰ کیلومتری رودخانه قزل اوزن حداقل تا سال ۱۳۴۷ هیچ پلی وجود نداشت. (مرکز اسناد ریاست جمهوری، کردستان، ۱۶۸۷۷/۱۰۰۰) اغلب تلگراف‌های شهرستان‌های استان کردستان در دهه سی شمسی تا ده روز به مقصد نمی‌رسید. (ساکما، شماره سند ۲۳۰/۷۴۹۱) وضعیت تلفن شهرهای استان مناسب نبود و با وجود اینکه تقاضای اشتراک بالا بود، اما سرمایه‌گذاری دولت در این بخش کافی نبود و در روزنامه اطلاعات در خصوص مشکلات تلفن شهرستان بیجار گزارش مبسوطی چاپ می‌شود. (روزنامه اطلاعات، ش ۸۹۳۷، مورخ ۱۳۳۴/۱۲/۱۲، ص ۷)

از لحاظ بهداشتی اوضاع بسیار اسفناک بود. فقط هشتادوهفت روستای شهرستان از حمام عمومی برخوردار بودند (۳۰ درصد). هیچکدام از روستاهای این حوزه دارای مؤسسات بهداشتی یا درمانی نبودند و به لحاظ درمانی نیاز اولیه شدید به نیروی متخصص بود که حداقل تا اواخر دوره پهلوی به دلیل نبود پزشک متخصص و جراح به لحاظ بهداشتی دچار مضیقه بودند. (ساکما، شماره سند ۲۹۰/۵۶۱۲) به عنوان مثال بیمارستان سنندج در سال ۱۳۳۷ دستگاه عکسبرداری داشت، اما پزشک متخصصی برای آن وجود نداشت. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۹، ج ۲۴۸، مورخ ۱۳۳۴/۹/۲۵) فقدان قابله تحصیل کرده در بیجار (سال ۱۳۴۲) موجب نگرانی مردم این شهر بود و از دغدغه‌های آنان بود. (روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۲۳۸، ۴۲/۸/۱۶، ص ۱۰)

تأسیس بیمارستان‌های سنندج، مریوان و بیجار با تخصیص مبلغ پنج میلیون ریال در تیرماه ۱۳۳۴ از طرف سازمان برنامه شروع شد. (روزنامه اطلاعات، ش ۸۷۱۶، تیر ۱۳۳۴، ص ۷) در این زمان، دکتر حاکمی رئیس بهداری سنندج بود. (روزنامه اطلاعات، ش ۸۹۰۳، تیر ۱۳۳۴، ص ۱۷) سه بیمارستان شهناز پهلوی بیجار، ۲۵ تخت‌خوابی مریوان و ۲۵ تخت‌خوابی بانه با حضور دکتر آموزگار - وزیر بهداری - در مرداد سال ۱۳۴۳ افتتاح شد. (روزنامه ایران نوین، ش ۲۹، مورخ ۱۳۴۳/۵/۲۰، ص ۴؛ ش ۳۱) وزارت بهداری و سپاه بهداشت فقط در مکان‌هایی که راه مناسبی داشتند، اقدام به ساخت درمانگاه می‌کردند و روستاهای فاقد جاده از امکانات بهداشتی محروم می‌ماندند. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳) به هنگام بارش برف و مسدود شدن راه‌های ارتباطی کمبود دارو در روستاها وجود داشت. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸) در سرمای سال ۱۳۴۲، بیش از نیمی از دام‌های کردستان تلف شدند. وقتی بیماری دامی شیوع پیدا می‌کرد، دامپزشکان به دلیل نبود راه مناسب و گردنه‌های متعدد با اشکال فراوان می‌توانستند خود را به مقصد برسانند. (امکانات توسعه صنعتی در کردستان و کرمانشاهان، سازمان برنامه، بی‌تا، ص ۲۱) در فصل زمستان به دلیل قطع یا محدودیت ارتباط روستا - شهر در شهرستان‌های

کردستان، تجهیز اکیب‌های بهداشتی به وسایل دارویی و امدادی به مشکل برمی‌خورد. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲)

در دوره پهلوی تشکیلات اجتماعی شامل انجمن شهر و ده، خانه انصاف، خانه دهقان، جمعیت شیر و خورشید، پیش‌آهنگی، سازمان‌های زنان و امور خیریه و... بود. مردم شهرهای کردستان تمایل زیادی به شرکت در اجتماعات و کارهای دست جمعی نشان نمی‌دادند به همین دلیل دولت برای تشکیل انجمن‌های دهات، خانه‌های انصاف و شوراهای محلی اقدام می‌کرد. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵) شهرهای کردستان از اوایل دهه سی شمسی صاحب انجمن شهر بودند. به عنوان مثال در حدود دویست و بیست هفت روستای بیجار گروس دارای شورای ده بودند. (۸۷ درصد) اما فعالیت مؤثری نداشتند.

تا اواخر پهلوی هر روستا معمولاً یک کدخدا، رئیس انجمن، رئیس خانه انصاف و یک سپاهی دانش داشت. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۰۰) تقریباً هیچ یک از آبادی‌های شهرهای کردستان تا سال ۱۳۵۲، بدون انجمن ده نبودند. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸) حقوق کدخدا یا دهبان را مالک یا رعیت پرداخت می‌کردند. اما تعیین کدخدا با پیشنهاد مالک یا مالکین و تصویب بخشداری و تایید فرمانداری انجام می‌شد. (ساکما، شماره سند ۲۹۰/۸۳۳۰) دهبانان و اعضای انجمن روستا به هنگام جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، در روستاهای خود جشن برگزار می‌کردند و گزارش آن را به بخشداری‌ها و فرمانداری‌ها ارسال می‌کردند. (ساکما، شماره سند ۲۵۶۵/۹۱/۲۹۳)

زنان نیز به عنوان طبقه فرودست در تشکیلات اجتماعی جدید سهم داشتند. انتخابات شورای بانوان وابسته به جمعیت شیر و خورشید سرخ سنندج آبان ماه ۱۳۴۲ برگزار شد و خانم‌ها: همدم حبیبی، تاج الملوک اردلان، سیمین صدیق و فخرالملک مشیری انتخاب شدند. (روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۲۵۰، ۴۲/۸/۳۰، ص ۱۰). همچنین انجمن‌های خیریه، محلی برای فعالیت بانوان کردستانی بود. انتخابات انجمن خیریه ثریا پهلوی سنندج در بهمن ۱۳۳۴ برگزار شد. (روزنامه اطلاعات، ش ۸۹۳۰، مورخ ۱۳۳۴/۱۱/۳۰، ص ۷) در میان لیست رؤسای ادارات شهرستان بیجار در سال ۱۳۵۰، تنها دو خانم وجود دارد که یکی از آنان رئیس سازمان زنان (توسلی) و دیگری رئیس خیریه فرح پهلوی (نادریان) بودند. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۶۵) عمده فعالیت سازمان زنان بیجار در جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی شامل موارد ذیل بود:

۱ - تزئین کردن سر درب ساختمان سازمان

۲ - شرکت در جشن میدان عمومی ۱۳۵۰/۷/۲۰

۳ - شرکت در مراسم سخنرانی ۱۳۵۰/۷/۲۱

۴ - جشن ولادت فرح پهلوی

۵ - برگزاری نمایشگاه کارهای دستی بانوان (ساکما، شماره سند ۲۵۶۵ / ۹۱/۲۹۳).

در سال ۱۳۲۷ مجلس شورای ملی برنامه‌های پنج‌گانه توسعه عمرانی را تصویب و به اجرا گذاشت. هم‌زمان سازمان "مدیریت و برنامه ریزی کشور" جهت طراحی، اجرا و نظارت بر برنامه‌های مختلف تأسیس گردید. با این برنامه‌ها فکر تحرک بخشیدن به رشد اقتصادی ایران با هدف کنترل سیاسی- اجتماعی کشور انجام شد. بررسی برنامه‌های مدون توسعه‌گرایانه اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد؛ هدف اصلی برنامه‌های عمرانی از همان ابتدا انتقال کامل جامعه ایران از لحاظ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از یک کشور عقب‌مانده با درآمد سرانه پایین، بهداشت و سطح پایین استانداردهای زندگی به یک کشور توسعه‌یافته بود که در آن ایران از یک جامعه سنتی و روستایی به یک جامعه شهری و صنعتی تغییر چهره دهد.

به طورنسبی ورود تکنولوژی، سازمان‌ها و ساختارهای مدرن به نظام اقتصادی ایران، موجب پیشرفت‌هایی هرچند اندک شد و سیمای ظاهری ایران را تغییر داد. اما همین تغییرات کم و ظاهری در تمام کشور اثرات یکسان برجای نگذاشت. حکومت پهلوی درصدد برآمد تا برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی خود را هم‌زمان با سایر نواحی ایران، در نواحی کردنشین نیز اجرا نماید. به همین دلیل ابتدا استانی به نام کردستان با مرزهای جغرافیایی کوچک و مشخص تعیین شد که شهرستان بیجار گروس بخشی از استان تازه تاسیس شد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد در پایان برنامه چهارم (۱۳۵۱) بیشتر راه‌های روستایی هم چنان "مال رو" باقی ماندند. اجرای برنامه‌های اصلاحات ارضی موفقیت‌ها و ناکامی‌هایی را به همراه داشت. تقسیم زمین بین روستاییان صاحب نسق موجب تحول در ساختار روستاها شد و برخلاف سیستم ارباب - رعیتی، ارتباط مستقیمی بین کشاورزان و زمین زراعی برقرار شد. همچنین رضایت نسبی دهقانان را جلب نمود و جایگاه اجتماعی و اقتصادی مالکان را تضعیف کرد. در مقابل روستاییان را به حاکمیت وابسته نمود و میزان نفوذ دولت را افزایش داد. این سیاست در ادامه منجر به مهاجرت‌های گسترده روستاییان به شهرهای استان تهران، همدان و ... در دهه پنجاه و شصت شمسی منجر شد. در پایان برنامه چهارم رشد تولید ناخالص داخلی به بیشتر از سیزده درصد رسید، اما اثرات آن در استان کردستان و به‌خصوص شهرستان بیجار مشهود نبود. اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی اگرچه موجب تغییرات در برخی حوزه‌ها شد، اما این تغییرات در زمینه‌های مختلف با میانگین کشوری در شهرستان بیجار فاصله معناداری داشت.

منابع:

الف کتب:

- (۱) آمار گیری کشاورزی کل کشور سال ۱۳۳۹، وزارت کشور؛ اداره کل آمار عمومی، اداره آمار شناسی کشاورزی، ج ۶؛ گزارش حوزه استان کردستان، تهران، بی تا
- (۲) بریین، سن مارتین (۱۳۷۸) جامعه شناسی مردم کرد، "آغا، شیخ، دولت..." ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ اول تهران، نشر پانیز
- (۳) حیرت سجادی، عبدالحمید (۱۳۸۱) ایلات و عشایر کردستان، سنندج، نشر دانشگاه کردستان
- (۴) گزارش مقدماتی مطالعات عمران ناحیه کردستان، سازمان برنامه، ۱۳۴۱
- (۵) لمبتون، ا.ک.س. (۱۳۴۵) مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، بنگاه ترجمه
- (۶) مجموعه قوانین برنامه های عمرانی کشور ۱۳۶۸-۱۳۲۷

ب) اسناد:

- ساکما، شماره سند ۲۳۰/۷۴۹۱
- ساکما، شماره سند ۲۳۰/۱۳۷۸۶
- ساکما، شماره سند ۲۴۰/۵۹۲۵۶
- ساکما، شماره سند ۲۹۰/۸۳۳۰
- ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳ / ۱۰۱۲۲
- ساکما، شماره سند ۲۹۷/۳۶۲۱
- ساکما، شماره سند ۲۹۷/۱۴۲۳۷
- ساکما، شماره سند ۲۹۷/۱۵۰۳۸
- ساکما، شماره سند ۲۹۷/۱۵۰۶۰
- ساکما، شماره سند ۲۹۷/۲۰۵۹۶
- ساکما، شماره سند ۲۹۷/۲۲۶۰۲

ساکما، شماره سند ۲۹۷/۲۷۸۰۵

ساکما، شماره سند ۲۹۷/۴۲۹۷۲

ساکما، شماره سند ۲۹۷/۵۶۹۶۷

ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵

ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۰۰

ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳

ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۶۵

ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲

ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸

ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲

مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازیابی ۱۴۵۱۱

مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازیابی ۱۰۰۰۱۶۸۷۷

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۱۳۱

ج) روزنامه‌ها و مجلات:

روزنامه اطلاعات سال بیستم، مورخه ۱۳۲۴/۱۰/۲۳

روزنامه اطلاعات، ش ۸۹۰۳، مورخه ۱۳۳۴/۰۷/۱۲

روزنامه اطلاعات، ش ۸۹۳۰، مورخه ۱۳۳۴/۱۱/۳۰

روزنامه اطلاعات، ش ۸۹۳۷، مورخه ۱۳۳۴/۱۲/۱۲

روزنامه اطلاعات، ش ۱۰۸۹۵، مورخه ۱۳۴۱/۰۶/۲۱ آگهی نوبت اول مربوط به اجرای قانون اصلاحات ارضی در

کلیه مناطق و بخش‌های تابعه شهرستان، قروه - سنندج

روزنامه اطلاعات، ش ۱۰۸۹۵، مورخه ۱۳۴۱/۰۸/۰۲ آگهی نوبت اول مربوط به اجرای قانون اصلاحات ارضی در کلیه مناطق و بخش‌های شهرستان بیجار

روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۱۰۳، مورخه ۱۳۴۲/۳/۷

روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۲۲۴، مورخه ۱۳۴۲/۷/۳۰

روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۲۳۸، مورخه ۱۳۴۲/۸/۱۶

روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۲۷۴، مورخه ۱۳۴۲/۱۰/۱

روزنامه ایران نوین، ش ۲۹، مورخه ۱۳۴۳/۵/۲۰

روزنامه ایران نوین، ش ۳۱، مورخه ۱۳۴۳/۵/۲۲

امکانات توسعه صنعتی در کردستان و کرمانشاهان، بی تا

مجله تعلیم و تربیت، دوره اول، ش ۱، سال ۱۳۰۴

د: لوح فشرده (CD)

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۹، ج ۲۱۳